

تحلیلی اجتماعی-زبانشناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران^۱

حسن بشیرنژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۵/۱۲/۱۴

چکیده

این پژوهش به ارزیابی جایگاه اجتماعی گونه زبانی مازندرانی در کنار فارسی و میزان کاربرد آن‌ها در حوزه‌های گوناگون، در استان مازندران می‌پردازد. در این بررسی، از شیوه تحلیل حوزه‌ای فیشمن (Fishman, 1996) بهره گرفته شده است و میزان کاربرد دو گونه زبانی بر مبنای موقعیت کاربرد، موضوع و مخاطب آن‌ها در شش حوزه خانواده، مدرسه، اداره، کوچه و بازار، مذهب، و هنر- سرگرمی گروه‌بندی شده و با استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده بررسی شده است. تعداد ۱۲۰۰ آزمودنی از پنج شهر استان مازندران، در سه گروه سنی گوناگون و از بین دو جنس زن و مرد گزینش شدند تا به سؤال‌های پرسش‌نامه پاسخ دهند. علاوه بر این، نگارندگان، ۲۴۰ موقعیت ارتباطی را از طریق مشاهده، ثبت کردند. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که به طور نسبی، بیشترین میزان کاربرد گونه

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2017.12396.1218

^۲ دکترای تخصصی زبان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران؛ h.bashirnezhad@cfu.ac.ir

مازندرانی، به حوزه خانواده تعلق دارد و هر چه حوزه کاربرد آن رسمی‌تر می‌شود، میزان بهره‌گیری از گونه زبانی مازندرانی کاهش می‌یابد. در حوزه آموزش رسمی، گونه زبانی، اغلب اجباری بوده و فارسی معیار بر گونه مازندرانی چیرگی دارد. در حوزه کوچه و بازار، موقعیت گفتار و یا جایگاه، سن، و جنسیت گوینده با مخاطب می‌تواند در انتخاب زبان مؤثر باشد. در حوزه اداری به دلیل اینکه رسمیت بیشتری دارد، میزان کاربرد فارسی بیش از سایر حوزه‌ها است. در حوزه‌هایی مانند مذهب، هنر و سرگرمی که بر مبنای موضوع تعریف شده‌اند، غلبه با زبان فارسی است و فقط در مورد حوزه موسیقی، اغلب گونه مازندرانی بر فارسی معیار ترجیح داده شد.

واژه‌های کلیدی: برخورد زبانی، فارسی، مازندرانی، کاربرد زبان، جایگاه اجتماعی

۱. مقدمه

دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سال‌های اخیر که با گسترش و پیشرفت صنعت، فناوری و ارتباطات همراه شد، منجر به گرائیدن گویشوران زبان‌های بومی و گروه‌های اقلیت، به زبان‌های رسمی، ملی و معتبر در سراسر دنیا شده است. این روند، عاملی برای سست شدن جایگاه زبان‌های اقلیت و تهدیدی برای بقای آن‌ها به شمار می‌آید. در این میان، گونه‌های زبانی رایج در ایران نیز از این دگرگونی به دور نیستند. در این میان، مازندرانی یکی از زبان‌های کهن ایرانی است که از زمان‌های بسیار دور، زبان بومیان ساکن در بخشی از مناطق شمالی ایران بوده است. این زبان همانند سایر گونه‌های زبانی ایرانی به سبب پیشینه تاریخی و پیوند دیرینه‌اش با زبان فارسی، گنجینه ارزشمندی از واژه‌ها، اصطلاح‌ها و مثل‌ها را در بردارد که امروزه در فارسی معیار کاربرد خود را از دست داده و به فراموشی سپرده شده‌اند. به باور زبان‌شناسان، این گونه زبانی، از اندک زبان‌های بومی ایران است که در قرن‌های نخستین پس از اسلام، ادبیات قابل توجهی داشته است (Natel Khanlari, 1994, p. 299).

در سال‌های اخیر، این زبان بر اثر دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در بالا به آن اشاره شد، شاهد تغییرها و تحولاتی بوده است. تصور می‌رود که با گذشت زمان، سرعت و وسعت این تحولات در پی دگرگونی‌های غیر زبانی چشمگیرتر نیز شود. به طور کلی، تحولات رخ داده را می‌توان در دو گروه مختلف گنجانند؛ گروه نخست، دربردارنده تغییرات واژگانی و دستوری است که در روند دگرگونی زبان‌ها، تحت تأثیر عوامل برون‌زبانی و درون‌زبانی امری طبیعی به شمار می‌آید. اما گروه دوم، دگرگونی‌هایی را شامل می‌شود که در جایگاه اجتماعی این زبان و حوزه‌های کاربردی آن رخ داده است و به نظر می‌رسد که اهمیت آن بیش از گونه نخست باشد. مدتی است که فراگیری زبان فارسی از سوی فرزندان در خانواده‌های مازندرانی رایج گشته و این امر حتی در خانواده‌هایی با طبقه اجتماعی متوسط یا پائین‌تر و در میان روستائیان و کوهنشینان نیز مشاهده می‌شود. در نتیجه، در حال حاضر، در بسیاری از خانواده‌ها، فارسی در کنار مازندرانی، برای برقراری ارتباط به کار می‌رود. این در حالی است که در گذشته‌ای نه چندان دور، مازندرانی تنها زبان ارتباطی میان اعضای خانواده در این منطقه بوده است. رواج دوزبانگی فقط به حوزه خانواده محدود نمی‌شود و در حوزه‌های دیگر مانند کوچه و بازار، مدرسه‌ها و مکان‌های دولتی نیز مشاهده می‌شود. همچنین شاهد کاربرد روز افزون فارسی به ویژه در بین جوان‌ها هستیم. بنابراین، فارسی به تدریج در حال ورود به حوزه‌هایی است که زمانی خاص مازندرانی بوده‌اند. با ادامه این روند بیم آن می‌رود که مازندرانی برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود. اهمیت این موضوع و نگرانی علاقه‌مندان و به ویژه نگارنده، وی را بر آن داشت تا به بررسی میدانی زبان مازندرانی در استان مازندران انجام دهد. این پژوهش، درصدد شناسایی جایگاه اجتماعی زبان مازندرانی در منطقه در کنار زبان فارسی است. همچنین مقاله حاضر، در پی نمایاندن چشم انداز آینده مازندرانی، از طریق بررسی میزان کاربرد زبان مازندرانی در حوزه‌های مختلف و نگرش و دیدگاه‌های گویشوران نسبت به این زبان است. در این پژوهش، از شیوه تحلیل حوزه‌ای^۱ فیشمن (Fishman, 1996) بهره گرفته شد و میزان کاربرد مازندرانی و فارسی بر حسب موقعیت، موضوع و مخاطب در شش حوزه

¹ domain analysis

خانواده، مدرسه، اداره، کوچه و بازار، مذهب و هنر- سرگرمی با استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده بررسی شده‌است. تعداد ۱۲۰۰ آزمودنی از پنج شهر استان مازندران (آمل، ساری، نور، رامسر و بهشهر) و در سه گروه سنی ۱۸-۱۴ ساله، ۴۰-۳۰ ساله، و بالای ۵۰ سال به سؤال‌های پرسش‌نامه پاسخ دادند. پاسخ‌دهندگان به شیوه تصادفی و به تعداد برابر، از میان دو گروه جنسیتی و دو جامعه شهری و روستایی انتخاب شدند. همچنین، محقق بر پایه مشاهده، به ثبت ۲۴۰ موقعیت ارتباطی در شهر آمل پرداخته است. در تهیه پرسش‌نامه و تعیین حوزه‌بندی‌ها، از پژوهش سوزان گل (Gal, 1979) الگو گرفته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

به‌طور کلی، پژوهش‌های گویش‌شناسی سنتی در قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم، بستر پیدایش مطالعات اجتماعی زبان را فراهم نمود. به دنبال آن، پژوهش‌های جامعه‌شناسان زبان نشان داد که علاوه بر عوامل جغرافیایی، عوامل اجتماعی نیز موجب بروز دگرگونی‌ها و تغییرات زبانی در یک جامعه زبانی می‌شوند. از دهه ۱۹۶۰، ویلیام لباو^۱، استاد زبان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا، پژوهش‌های خود را به شیوه علمی تری ارائه کرد و بسیاری از مشکل‌های کاربردی و روش‌شناختی مرتبط با مطالعات اجتماعی زبان را برطرف نمود. او در بررسی‌های خود در شهر نیویورک نشان داد که آن دسته از ویژگی‌های زبانی که اعتبار کمتری دارند، بیشتر در رفتار زبانی طبقه‌های فرودست اجتماع مشاهده می‌شوند. همین پژوهش‌ها معلوم نمودند که عوامل اجتماعی علاوه بر ایجاد دگرگونی‌های زبانی، می‌توانند منجر به حذف زبانی از یک جامعه دوزبانه و جایگزینی آن با یک زبان رسمی‌تر شوند. مجموعه بررسی‌های فیشمن در سال ۱۹۶۶ در مورد میزان پای‌بندی به زبان مادری در میان گروه‌های مهاجر در ایالات متحده که به روش تحلیل حوزه‌ای صورت گرفت، از نخستین پژوهش‌ها در زمینه حذف (مرگ)^۲ زبان به شمار می‌آید. بررسی‌های سوزان گل در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ در منطقه دوزبانه اوپروارت^۳ در شرق اتریش نیز نمونه دیگری از

^۱ W. Labov

^۲ language shift/ death

^۳ Oberwart

حذف زبان را نشان می‌دهد. همچنین نانسی دورین^۱ در سال ۱۹۸۱ نیز مواردی از تغییر (حذف) زبان در حال پیشرفت منطقه سادرلند شرقی در شمال اسکاتلند را گزارش نمود. در میان بررسی‌های انجام شده در زمینه حفظ زبان، می‌توان به پژوهش لیبرسن^۲ در سال ۱۹۷۲ در جامعه انگلیسی - فرانسه زبان در مونترال کانادا اشاره کرد. پژوهش دیگری که نمونه قابل توجهی از حفظ و در عین حال حذف زبان را نشان می‌دهد، به وسیله فسولد^۳ در سال ۱۹۸۰ در میان جامعه سرخ‌پوستان تیوا^۴ در منطقه تائوس^۵ در ایالت نیومکزیکو^۶ انجام پذیرفته است (Fasold, 1984). جیمز کرافورد (Crawford, 1998) بر این نکته تأکید دارد که روند روبه‌نیستی زبان‌های بومیان آمریکای شمالی بسیار شدت گرفته‌است. وی به بررسی روند زوال زبان ناواهو^۷ مابین دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۹۰ پرداخته‌است. بررسی‌های مایکل کراس^۸ در پیوند با زبان‌های بومیان آلاسکا در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ واقعیت‌های تلخی را در این زمینه روشن نموده‌است. به طوری که از میان ۲۰ زبان زنده بومیان منطقه آلاسکا، فقط دو زبان به شیوه سنتی فراگرفته می‌شوند و از والدین به فرزندان انتقال می‌یابند.

در دهه گذشته، پژوهش‌هایی در ایران انجام پذیرفته‌است که می‌توان به پژوهش ذوالفقاری (Zolfaghari, 1997) در پیوند با گویش بختیاری مسجد سلیمان، بررسی بشیرنژاد (۱۳۷۹) (Bashirnezhad, 2000) در مورد جایگاه و کاربرد مازندرانی در شهر آمل و پژوهش رضاپور (۱۳۷۹) (Rezapour, 2000) در زمینه رمزگردانی در بین افراد دو زبانه فارسی - مازندرانی در شهر آمل اشاره کرد. همچنین می‌توان پژوهش شاه‌بخش (Shahbakhsh, 2000) درباره زبان بلوچی، مطالعه مشایخ (Mashayekh, 2002) در مورد کاربرد فارسی و گیلکی در دو گروه سنی مختلف در شهر رشت و پژوهش علایی (Alai, 2004) در رابطه با موانع اجتماعی - فرهنگی کاربرد فارسی به عنوان زبان آموزش در شهرستان مغان را نام برد. علاوه بر این، ایمانی (Imani, 2004) به پژوهش درباره وضعیت

¹ N. Dorain

² N. Liberson

³ R. Fasold

⁴ Indians Tiva

⁵ Taos

⁶ New Mexico

⁷ Navajo

⁸ M. Cross

کاربردی دو زبان ترکی و فارسی در میان دوزبانه‌های ترکی-فارسی ساکن قم و صفایی (Safai, 2004) به بررسی کاربرد فارسی در بین دانش‌آموزان دوزبانه شهر مرند پرداخته‌اند. علاوه بر این، می‌توان به پژوهش ابراهیمی (Ebrahimi, 2004) در زمینه رمزگردانی در میان دوزبانه‌های کردی-فارسی در شهرستان گیلان غرب، مطالعه رنجبر (Ranjbar, 2005) در مورد وضعیت دوزبانگی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی استان کرمانشاه، بررسی شیخی (Sheikhi, 2006) در زمینه رمزگردانی در میان دوزبانه‌های ترکمنی-فارسی در شهر گنبد کاووس و پژوهش واسو جویباری (Vasoo Joybari, 2007) در مورد تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی در شهر جویبار را نام برد. در نهایت، می‌توان به پژوهش بنی‌شرکا (Bani-Shoraka, 2005) در رابطه با انتخاب زبان و رمزگردانی در جامعه آذری زبان در شهر تهران، پژوهش شاه‌مرادی (Shahmoradi, 2014) با عنوان بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و ترکی در گلگاه اشاره کرد. در مجموع بررسی پژوهش‌های ایرانی نیز نشان می‌دهند که زبان‌های محلی ایران در برخورد با زبان فارسی به تدریج جایگاه و حوزه‌های کاربردی خود را به نفع زبان فارسی از دست می‌دهند (Bashirmezhad, 2007).

۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

چنان‌که پیش از این اشاره شد، در پژوهش حاضر، مسئله انتخاب زبان در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و میزان کاربرد مازندرانی در سه گروه سنی و پنج شهر و دوازده منطقه روستایی در استان مازندران مورد بررسی قرار گرفته‌است. به این منظور، یکی از روش‌های رایج در بررسی کاربرد زبان، یعنی روش تحلیل حوزه‌ای به کار گرفته شد که نخستین بار از سوی فیشرمن در سال ۱۹۶۶ مورد استفاده قرار گرفت. در این میان، برخی مشخصه‌های فردی و عوامل اجتماعی مانند سن، تحصیلات، جنسیت، و شهرنشینی نیز می‌توانند در انتخاب و کاربرد زبان مؤثر باشند. بنابراین میزان تأثیر این عوامل در کاربرد فارسی و مازندرانی در حوزه‌های مختلف هم مورد بررسی قرار گرفتند. علاوه بر این، داده‌های این پنج منطقه (شهرها و روستاها) به صورت جداگانه در گروه‌های سنی، جنسیتی و اجتماعی مختلف و در حوزه‌های کاربردی گوناگون استخراج و توصیف شده‌اند. در این بخش، با مقایسه و سنجش داده‌های منطقه‌های گوناگون هم‌جوار، وضعیت کلی کاربرد زبان مازندرانی در استان مازندران نمایانده شد. با توجه به اینکه سن افراد از عوامل مهم و

تأثیرگذار در انتخاب و کاربرد زبان بوده و با در نظر گرفتن اینکه تغییر زبان در فاصله بین نسل‌ها رخ می‌دهد، در این پژوهش سعی شده تا کاربرد زبان و نگرش‌های زبانی در گروه‌های سنی مختلف با هم مقایسه گردند. این امر سبب می‌شود تا علاوه بر بازنمایی وضعیت کنونی مازندرانی، تا اندازه‌ای دورنما یا وضعیت پیش روی این زبان آشکار شود. در ادامه، تأثیر عوامل دیگر از قبیل جنسیت، شهرنشینی و تحصیلات نیز بررسی خواهند شد، اما تأکید اصلی مقاله حاضر، چنان که گفته شد، بر عامل سن است.

برای بررسی میزان کاربرد مازندرانی، چهار حوزه کاربردی خانواده، مدرسه، شهر و حوزه اداری در نظر گرفته شدند که به طور معمول، موقعیت و مخاطب‌های آن کاربرد زبان را مشخص می‌کنند. چنان که در تعریف حوزه گفته شد، حوزه‌ها علاوه بر مکان و مخاطب می‌توانند به موضوع یا مقوله خاصی مربوط شوند. در این مقاله، دو حوزه مذهب و هنر - سرگرمی نیز به عنوان حوزه‌های مستقل دیگری در نظر گرفته شدند که از یک سو مسائلی مانند نیایش، سوگواری و از سوی دیگر شعر، موسیقی و آواز را در بر می‌گیرند.

۳.۱. حوزه خانواده

بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که به طور نسبی بیشترین میزان کاربرد مازندرانی مربوط به حوزه خانواده است و هر چه حوزه رسمی‌تر می‌شود، میزان کاربرد مازندرانی کاهش می‌یابد. میزان فراگیری زبان اول در خانواده بر حسب نوع خانواده و اعضای آن متغیر است. در مجموع حدود ۶۷ درصد از گویشوران، مازندرانی را به عنوان زبان اول در خانواده فرا گرفته‌اند. هر چند در گروه سنی ۱۴-۱۸ ساله فراگیری مازندرانی کاهش می‌یابد. در این گروه فقط در حدود ۲۵ درصد از آزمودنی‌ها، مازندرانی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند.

زبانی که فرد در گفتگو با اعضای خانواده به کار می‌برد، ممکن است بر حسب سن مخاطب، متفاوت باشد. برای نمونه، داده‌ها نشان می‌دهند که ۴۸ درصد از افراد ۱۴-۱۸ ساله، با پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایشان مازندرانی صحبت می‌کنند. در مقابل، ۳۸ درصد از آن‌ها با پدر و مادرشان به مازندرانی سخن می‌گویند. در ارتباط با برادر یا خواهر کوچکتر، نیز فقط ۲۴/۷۵ درصد، از مازندرانی استفاده می‌کنند.

جدول ۱: میزان فراگیری فارسی به عنوان زبان اول در کل جمعیت نمونه به تفکیک سن و شهر

شهر	گروه سنی		۱۴-۱۸ ساله		۳۰-۴۰ ساله		بالای ۵۰ ساله	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بهشهر	۵۹	۷۳/۷۵	۱۵	۱۸/۷۵	۳	۳/۷۵		
ساری	۶۴	۸۰	۲۲	۲۷/۵	۱۰	۱۲/۵		
آمل	۵۲	۶۵	۱۲	۱۵	۵	۶/۲۵		
نور	۵۷	۷۱/۲۵	۱۲	۱۵	۲	۲/۵		
رامسر	۶۶	۸۲/۵	۱۶	۲۰	۲	۲/۵		
کل جمعیت نمونه	۲۹۸	۷۴/۵	۷۷	۱۹/۲۵	۲۲	۵/۵		

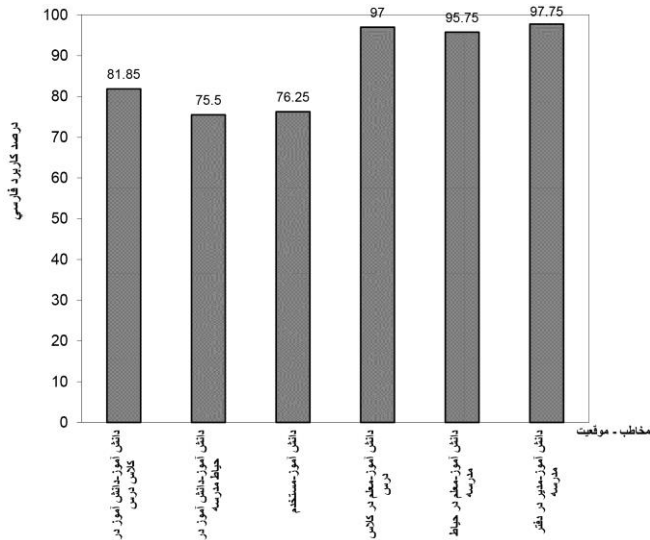
جدول ۲: میزان کاربرد مازندرانی در حوزه خانواده در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب و گروه سنی

مخاطبان	گروه سنی		۱۴-۱۸ ساله		۳۰-۴۰ ساله		بالای ۵۰ ساله	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پدر و مادر	۱۵۲	۳۸	۳۳۹	۸۴/۷۵	۳۸۸	۹۷		
فرزندان	۸۹	۲۲/۲۵	۱۱۶	۲۹	۲۷۵	۶۸/۷۵		
خواهر یا برادر بزرگتر	۱۲۶	۳۱/۵	۳۱۵	۷۸/۷۵	۳۸۱	۹۵/۲۵		
خواهر یا برادر کوچکتر	۹۹	۲۴/۷۵	۲۸۱	۷۰/۲۵	۳۶۴	۹۱		
عمو، دایی، عمه، خاله	۱۲۶	۳۱/۵	۳۳۳	۸۳/۲۵	۳۸۶	۹۶/۵		
بچه‌های فامیل	۱۰۲	۲۵/۵	۱۱۳	۲۸/۲۵	۲۷۹	۶۹/۷۵		
پدر بزرگ و مادر بزرگ	۱۹۲	۴۸	۳۵۲	۸۸	۳۹۷	۹۹/۲۵		

۲.۳. حوزه مدرسه

پس از خانواده، مدرسه از مهم‌ترین نهادهای آموزش زبان به کودکان است. در مدرسه‌های کشور، فارسی به عنوان زبان آموزش به کار می‌رود و زبان‌های محلی ممکن است نقش‌های متفاوتی را در کنار زبان فارسی بر عهده داشته باشند. برای نمونه، در منطقه‌های آذری و کرد زبان، کاربرد زبان‌های محلی در حوزه مدرسه بیشتر است. چرا که این زبان‌ها اغلب ابزاری برای برقراری ارتباط میان دانش‌آموزان و معلمان به کار می‌روند. در مقابل، در استان‌های مازندران و گیلان، زبان‌های محلی در حوزه مدرسه، کمتر به کار رفته و فارسی علاوه بر اینکه زبان آموزش است، تنها ابزار ارتباطی میان معلمان و دانش‌آموزان است. به طور کلی، این ادعا، بر پایه مشاهده‌ها و تجربه‌های شخصی نگارنده و همچنین یافته‌های پژوهش نگارنده (Bashirnezhad, 1990) و مشایخ (Mashayekh, 2002) به دست آمده است. بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که در این حوزه، زبان فارسی بر مازندرانی چیرگی دارد. برای نمونه، ۹۷ درصد از دانش‌آموزان پرسش‌شونده، در

کلاس درس با معلم‌های خود فارسی صحبت می‌کنند و ۹۷/۵ درصد از آنها نیز با مدیر مدرسه در دفتر مدرسه، به فارسی سخن می‌گویند. همچنین، ۸۱/۲۵ درصد از دانش‌آموزان در کلاس با یکدیگر فارسی صحبت می‌کنند.



شکل ۱: میزان و درصد کاربرد فارسی در حوزه مدرسه در گروه سنی ۱۴-۱۸ ساله بر حسب مخاطب

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در ارتباط بین معلم و دانش‌آموز، کاربرد زبان، پیرو موقعیت، زبان مادری دانش‌آموز و تمایل‌های شخصی وی نبوده و گونه‌زبانی همواره ثابت است. به طور کلی، در این زمینه، دانش‌آموزانِ مدرسه‌های مازندران حق انتخاب ندارند و معلم‌ها نیز تمایلی به کاربرد زبان محلی در برقراری ارتباط با دانش‌آموز ندارند. زیرا معلم با کاربرد زبان معیار در موقعیتی رسمی، در پی حفظ رابطه رسمی موجود میان خود و مخاطب‌اش است. در حالی که کاربرد زبان در بین دانش‌آموزها تا حدود بسیاری، پیرو موقعیت و زبان مادری مخاطب‌ها است. به طور کلی، از میان ۶۰ مشاهده‌موردی که کاربرد دو زبان در حیاط مدرسه‌های دخترانه و پسرانه شهر آمل مورد بررسی قرار گرفت، در ۳۱ موقعیت، زبان فارسی کاربرد داشته‌است که ۵۱/۶۶ درصد از موقعیت‌ها را تشکیل می‌دهد. همچنین یافته‌های به‌دست‌آمده از میزان کاربرد فارسی از طریق پرسش‌نامه، برابر با

۵۶/۲۵ درصد بود. در این راستا، محاسبه معذور کا ($= 0/18$)، با سطح معناداری ۰/۰۵ و درجه آزادی ۱ نشان می‌دهد که این مقدار تفاوت، به لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

۳.۳. حوزه اداری

حوزه اداری تا اندازه‌ای رسمی بوده و همین رسمیت موجب می‌شود تا میزان کاربرد فارسی در آن به طور نسبی بالا رود. برای نمونه، ۶۳/۹۱ درصد از مراجعه‌کننده‌ها با کارمندهای اداره فارسی صحبت می‌کردند. همچنین، گویشور مازندرانی در برخورد با یک پزشک یا منشی در مطب به ترتیب ۷۷/۵۸ و ۷۳/۷۴ درصد از زبان فارسی استفاده می‌کردند.

جدول ۳: میزان کاربرد فارسی و مازندرانی در حوزه اداری در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان غالب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	مخاطب
۱۰۰	۱۲۰۰	۳۶/۰۹	۴۳۳	۶۳/۹۱	۷۶۷	کارمند
۱۰۰	۱۲۰۰	۲۲/۴۲	۲۶۹	۷۷/۵۸	۹۳۱	پزشک
۱۰۰	۱۲۰۰	۲۶/۲۶	۳۱۵	۷۳/۷۴	۸۸۵	منشی پزشک

جدول ۴: میزان کاربرد فارسی در حوزه اداری در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب و گروه سنی

منشی پزشک		پزشک		کارمند		مخاطب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	گروه سنی
۹۵/۵	۳۸۲	۹۷/۲۵	۳۸۹	۹۴/۲۵	۳۷۷	۱۴-۱۸ ساله
۷۹/۲۵	۳۱۷	۸۲/۷۵	۳۳۱	۶۳/۵	۲۵۴	۳۰-۴۰ ساله
۴۶/۵	۱۸۶	۵۳/۷۵	۲۱۱	۳۴	۱۳۶	بالای ۵۰ ساله
۷۳/۷۴	۸۸۵	۷۷/۵۸	۹۳۱	۶۳/۹۱	۷۶۷	کل جمعیت نمونه

جدول ۵: میزان کاربرد فارسی در حوزه اداری در کل جمعیت نمونه بر حسب شهر و مخاطب

منشی پزشک		پزشک		کارمند		مخاطب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	شهر
۷۳/۳۳	۱۷۶	۷۵/۸۳	۱۸۲	۵۵/۸۳	۱۳۴	بهشهر
۷۵/۸۳	۱۸۲	۷۶/۲۴	۱۸۳	۶۷/۹۲	۱۶۳	ساری
۶۵/۸۳	۱۵۸	۷۴/۹۹	۱۸۰	۵۳/۳۳	۱۲۸	آمل
۷۶/۶۶	۱۸۴	۸۲/۹۱	۱۹۹	۷۲/۹۲	۱۷۵	نور
۷۷/۰۸	۱۸۵	۷۷/۹۱	۱۸۷	۶۹/۵۸	۱۶۷	رامسر
۷۳/۷۴	۸۸۵	۷۷/۵۸	۹۳۱	۶۳/۹۱	۷۶۷	کل جمعیت نمونه

نگارنده پس از مشاهده موقعیت‌های کاربرد دو زبان مازندرانی و فارسی در حوزه اداری، به ثبت ۶۰ موقعیت ارتباطی بین کارمند و ارباب رجوع در شهر آمل پرداخته‌است. این مشاهده‌ها در اداره‌های گوناگون آمل انجام شده و افراد مورد مشاهده به صورت برابر از سه گروه سنی اشاره شده در پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند. به طور کلی، از میان ۶۰ موقعیت ارتباطی مشاهده شده در حوزه اداری، ۲۹ موقعیت (یعنی ۴۸/۳۳ درصد) در پیوند با زبان فارسی و بقیه موارد در ارتباط با مازندرانی بوده‌اند. داده‌های پرسش‌نامه نیز نمایانگر آن است که بیشترین میزان کاربرد فارسی در این حوزه، مربوط به جوان‌ترین گروه سنی بوده‌است. در این گروه، از میان ۱۷ موقعیت از ۲۰ موقعیت (یعنی ۸۵ درصد)، فارسی برای برقراری ارتباط به کار رفته‌است. با افزایش سن، میزان کاربرد فارسی در این حوزه کاهش یافته‌است. در گروه ۳۰-۴۰ ساله، نسبت کاربرد فارسی به مازندرانی ۹ به ۱۱ (۴۵ درصد به ۵۵ درصد) بوده‌است و در گروه بالای ۵۰ سال، فقط در ۳ موقعیت از ۲۰ موقعیت (یعنی ۱۵ درصد) فارسی، برای برقراری ارتباط به کار رفته‌است.

۳.۴. حوزه کوچه و بازار

حوزه کوچه و بازار نسبت به دو حوزه مدرسه و خانواده از گستردگی بیشتری برخوردار است و تنوع مخاطبان نیز در آن بیشتر است. در این حوزه، موقعیت گفتار و یا موقعیت، سن و جنسیت گوینده یا مخاطب در انتخاب زبان، تأثیرگذار است. در موقعیت‌های رسمی‌تر و در برخورد با مخاطب‌هایی که موقعیت اجتماعی بالاتری دارند، اغلب زبان فارسی به کار می‌رود. در مواردی که مخاطب ناشناس بوده و اطلاعات زیادی از وی در دست نیست، گوینده‌ها زبان فارسی را ترجیح می‌دهند. برای نمونه، ۲۹/۴۹ درصد از افراد در برخورد با همسایه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند و در مقابل ۷۲/۵۸ درصد از آنها در گفت‌وگو با فرد جوان ناشناس از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

میزان کاربرد فارسی در برخورد با فرد جوان ناشناس (۷۱/۳۳ درصد)، در مقایسه با میزان کاربرد فارسی در برخورد با یک فرد مسن ناشناس (۳۳/۹۹ درصد) بیان‌گر این واقعیت است که افراد در انتخاب نوع زبان، علاوه بر موقعیت اجتماعی مخاطب، به سن او نیز توجه می‌کنند. همچنین این امر نمایان‌گر آن است که گویشوران فارسی، اغلب جوان

بوده و افراد با دانستن این واقعیت و یا بر مبنای این پیش فرض که مخاطب جوان برای تثبیت اعتبارش، فارسی را به کار می‌برند، با آن به فارسی صحبت می‌کنند. در این میان، منطقه محل سکونت افراد در میزان کاربرد فارسی و مازندرانی نیز در این حوزه مؤثر است. داده‌ها نشان می‌دهند که کاربرد فارسی در حوزه کوچه و بازار، در شهر ساری بیش از سایر شهرها است و پس از آن رامسر و نور در این حوزه، فارسی را به کار می‌برند. داده‌های جدول ۷، نمایانگر میزان کاربرد فارسی در کوچه و بازار، در بین مخاطب‌های گوناگون است.

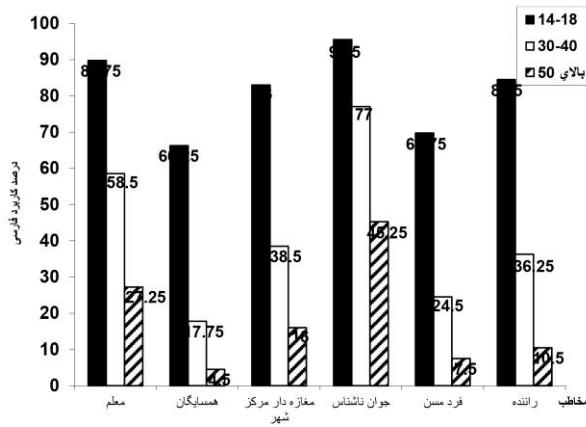
جدول ۶: میزان کاربرد فارسی و مازندرانی در حوزه کوچه و بازار در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان غالب مخاطب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۱۲۰۰	۴۱/۵۱	۴۹۸	۵۸/۴۹	۷۰۲	معلم
۱۰۰	۱۲۰۰	۷۰/۵۱	۸۴۶	۲۹/۴۹	۳۵۴	همسایه
۱۰۰	۱۲۰۰	۵۴/۹۲	۶۵۹	۴۵/۰۸	۵۴۱	مغازهدار مرکز شهر
۱۰۰	۱۲۰۰	۲۸/۶۷	۳۴۴	۷۱/۳۳	۸۵۶	جوان ناشناس
۱۰۰	۱۲۰۰	۶۶/۰۱	۷۹۲	۳۳/۹۹	۴۰۸	فرد مسن ناشناس
۱۰۰	۱۲۰۰	۵۶/۲۵	۶۷۵	۴۳/۷۵	۵۲۵	راننده

جدول ۷: درصد کاربرد فارسی در حوزه کوچه و بازار در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب و شهر

مخاطب شهر	معلم	همسایه	مغازهدار مرکز شهر	جوان ناشناس	فرد مسن ناشناس	راننده
بهشهر	۵۸/۷۴	۳۰/۴۱	۴۷/۰۸	۷۱/۲۵	۳۲/۴۹	۴۴/۱۶
ساری	۶۶/۶۶	۳۳/۳۳	۵۱/۶۶	۷۱/۲۵	۳۶/۶۶	۵۰
آمل	۴۵/۸۳	۲۰/۴۱	۳۲/۵	۶۲/۵	۱۹/۵۸	۲۹/۱۶
نور	۶۰/۴۱	۳۰/۴۱	۴۶/۶۶	۷۶/۶۶	۴۱/۲۵	۴۳/۳۳
رامسر	۶۰/۸۳	۳۲/۹۱	۴۷/۵	۷۴/۹۹	۳۹/۹۹	۵۲/۰۸
میانگین	۵۸/۴۹	۲۹/۴۹	۴۵/۰۸	۷۱/۳۳	۳۳/۹۹	۴۳/۷۵

به طور کلی، کمترین میزان کاربرد فارسی در برخورد با همسایه‌ها و افراد مسن بوده (به ترتیب ۲۹/۴۹ و ۳۳/۹۹ درصد) و بیشترین میزان کاربرد فارسی در برخورد با افراد جوان ناشناس و معلم‌ها (به ترتیب ۷۱/۳۳ و ۵۸/۴۹ درصد) است. به نظر می‌رسد که در این حوزه نیز، سن مخاطب، موقعیت اجتماعی و سابقه آشنایی وی از عوامل تعیین کننده در کاربرد فارسی هستند.



شکل ۲: درصد کاربرد زبان فارسی در حوزه کوچه و بازار بر حسب مخاطب و گروه سنی

همان گونه که سن مخاطب در میزان کاربرد فارسی تأثیرگذار بوده و بیشترین میزان کاربرد فارسی در گفت و گو با جوان ناشناس بوده است، سن کاربران نیز می تواند در میزان استفاده از فارسی در این حوزه تعیین کننده باشد. داده ها نشان دهنده آن است که گروه های جوان تر بسیار بیشتر از زبان فارسی در حوزه کوچه و بازار استفاده می کنند. نمودار بالا، نمایانگر آن است که هر چه به سمت گروه های سنی بالاتر می رویم، میزان کاربرد فارسی در تمامی موارد، در حوزه کوچه و بازار کاهش می یابد. برای نمونه ۸۹/۷۵ درصد از افراد ۱۴-۱۸ ساله با معلم ها در کوچه و بازار فارسی صحبت می کنند. این رقم در گروه سنی ۳۰-۴۰ ساله به ۵۸/۵ درصد و در گروه سنی بالای ۵۰ ساله به ۲۷/۲۵ درصد می رسد. در مواجهه با سایر مخاطب ها نیز می توان شاهد کاهش میزان کاربرد فارسی در گروه های سنی بالا بود.

نگارنده به مشاهده کاربرد دو زبان در برقراری ارتباط با یک مغازه دار و راننده تاکسی در حوزه کوچه و بازار در شهر آمل پرداخته است. از میان ۶۰ موقعیت ارتباطی به ثبت رسیده در مغازه های شهر آمل، در ۲۱ موقعیت ارتباطی، زبان فارسی و در بقیه موارد، مازندرانی به کار رفته است. مشاهده ها نشان می دهند که کاربرد فارسی در این موقعیت ۳۵ درصد بوده است. بررسی پرسش نامه ای نیز نمایانگر آن است که ۳۲/۵ درصد در این موقعیت از فارسی استفاده کرده بودند. مشاهده های به ثبت رسیده در مورد زبان به کار رفته مابین مسافر و راننده تاکسی یا اتوبوس (که همگی مرد بوده اند) نشان داد که در این موارد

غلبه با مازندرانی بوده است. از میان ۶۰ موقعیت به ثبت رسیده در موقعیت ارتباطی راننده - مسافر، در ۱۷ موقعیت فارسی زبان ارتباطی غالب را تشکیل می‌داد که مشتمل بر ۲۸/۳۳ درصد بوده است. باید اشاره نمود که یافته‌های به دست آمده از پرسش‌نامه نشان می‌دهد که ۲۹/۱۶ درصد از آزمودنی‌ها در این موقعیت از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

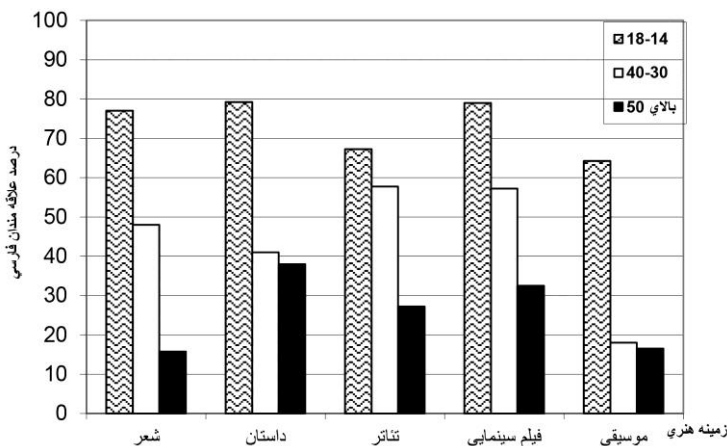
۳.۵. حوزه هنر و سرگرمی

حوزه‌هایی که تاکنون بررسی شده‌اند اغلب به وسیله مکان، موقعیت یا مخاطب‌های آن‌ها قابل تعریف هستند اما، حوزه‌هایی مانند حوزه مذهب و حوزه هنر و سرگرمی بر اساس موضوع تعریف می‌شوند. امور مذهبی، هنری و سرگرمی، با علایق و خواسته‌های درونی افراد مرتبط هستند. در سایر حوزه‌ها ممکن است موقعیت یا برخی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی افراد را مجبور سازد که برخلاف تمایلشان، از زبان رسمی بهره برند. در حالی که در این حوزه‌ها، افراد در انتخاب زبان از آزادی نسبی بیشتری برخوردارند. حوزه هنر و سرگرمی حوزه‌ای شخصی‌تری است که کنکاش در این حوزه می‌تواند ما را به بینش واقع‌گرایانه‌تری در ارتباط با احساس افراد نسبت به زبان بومی‌شان برساند. از این رو در این پژوهش، میزان علاقه مندی افراد به کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در امور هنری و سرگرمی‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا علایق افراد در زمینه‌های هنری مانند شعر، داستان، تئاتر، فیلم سینمایی، و موسیقی بررسی شد. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که در برخی زمینه‌های هنری مانند داستان، تئاتر و فیلم سینمایی، غلبه با فارسی بوده و در زمینه شعر و موسیقی غلبه با مازندرانی است. میزان کاربرد دو زبان در زمینه‌های گوناگون هنری در جدول زیر به نمایش درآمده است:

جدول ۸: میزان علاقه مندی آزمودنی‌ها به کاربرد فارسی و مازندرانی در زمینه‌های هنری در کل جمعیت نمونه

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۱۲۰۰	۵۳/۰۹	۶۳۷	۴۶/۹۱	۵۶۳	زمینه هنری شعر
۱۰۰	۱۲۰۰	۴۷/۲۵	۵۶۷	۵۲/۷۵	۶۳۳	داستان
۱۰۰	۱۲۰۰	۴۹/۲۵	۵۹۱	۵۰/۷۵	۶۰۹	تئاتر
۱۰۰	۱۲۰۰	۴۳/۷۵	۵۲۵	۵۶/۲۵	۶۷۵	فیلم سینمایی
۱۰۰	۱۲۰۰	۶۷/۰۹	۸۰۵	۳۲/۹۱	۳۹۵	موسیقی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، کاربرد مازندرانی در زمینه‌هایی مانند شعر و موسیقی بیش از سایر زمینه‌ها است و باید بررسی کرد که چه ویژگی‌هایی این دو را از سایر زمینه‌ها متمایز می‌سازد. شعر و موسیقی از جمله هنرهای موزون هستند که با وزن، واحد موسیقایی و آهنگ در ارتباط اند. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که این دو، بیش از سایر زمینه‌ها با عواطف و احساسات درونی افراد در ارتباط هستند. به نظر می‌رسد، هرچه ظهور این ویژگی‌ها بیشتر باشد، به همان نسبت گرایش به کاربرد مازندرانی نیز بیشتر باشد. به همین دلیل میزان کاربرد مازندرانی در زمینه موسیقی بیش‌تر از سایر زمینه‌ها است (۶۷/۰۹ درصد). از سوی دیگر، بیشتر علاقه‌مندان به مازندرانی در زمینه‌های هنری، متعلق به گروه‌های سنی بالا هستند. چرا که بررسی درصد علاقه‌مندان به دو زبان در سه گروه سنی نشان می‌دهد که در جوان‌ترین گروه مورد بررسی، علاقه‌مندی به فارسی در همه زمینه‌های هنری بیش از مازندرانی است. نمودار زیر، درصد و فراوانی علاقه‌مندان به فارسی را در سه گروه سنی نشان می‌دهد.



شکل ۳: درصد علاقه‌مندی به فارسی در زمینه‌های هنری در کل جمعیت نمونه بر حسب گروه سنی

نگرش آزمودنی‌ها در زمینه سرگرمی نیز مورد بررسی قرار گرفت. یکی از سرگرمی‌های روزمره افراد، تماشای تلویزیون و گوش دادن به برنامه‌های رادیو است. این رو، از افراد پرسیده شد که ترجیح می‌دهند برنامه‌های صدا و سیما را به کدام زبان بشنوند. میزان علاقه‌مندی به دو زبان برای تماشا یا گوش دادن به برنامه‌های رادیو و

تلویزیون، بر حسب منطقه سکونت و گروه سنی آزمودنی‌ها متفاوت بود. به طور کلی، ۵۲/۴۱ درصد از آزمودنی‌ها در این زمینه فارسی را به مازندرانی ترجیح می‌دهند. درصد و فراوانی افراد علاقه‌مند به فارسی و مازندرانی برای دیدن یا شنیدن برنامه‌های صدا و سیما در پنج شهر مورد بررسی در جدول زیر، نشان داده شده است:

جدول ۹: میزان علاقه‌مندی به دو زبان در زمینه برنامه‌های صدا و سیما

در کل جمعیت نمونه به تفکیک شهر

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان مورد علاقه
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۲۴۰	۵۷/۵	۱۳۸	۴۲/۵	۱۰۲	بهشهر
۱۰۰	۲۴۰	۵۳/۳۴	۱۲۸	۴۶/۶۶	۱۱۲	ساری
۱۰۰	۲۴۰	۵۴/۱۷	۱۳۰	۴۵/۸۳	۱۱۰	آمل
۱۰۰	۲۴۰	۴۳/۷۵	۱۰۵	۵۶/۲۵	۱۳۵	نور
۱۰۰	۲۴۰	۲۹/۱۷	۷۰	۷۰/۸۳	۱۷۰	رامسر
۱۰۰	۱۲۰۰	۴۷/۵۹	۵۷۱	۵۲/۴۱	۶۲۹	کل استان

میزان علاقه‌مندی به برنامه‌های مازندرانی در رسانه استانی در شهرهای استان متفاوت است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کمترین علاقه‌مندی مربوط به شنیدن یا دیدن برنامه‌های صدا و سیما به مازندرانی، در شهرهای غربی مازندران و به ویژه شهر رامسر (۲۹/۱۷ درصد) بود. دلیل این امر می‌تواند ناشی از تفاوت لهجه مازندرانی به کاررفته در صدا و سیمای مازندران - ساروی - در مقایسه با لهجه شهرهای غربی مازندران باشد. به نظر می‌رسد که گویشوران مازندرانی در منطقه‌های غربی استان از کاربرد لهجه ساروی در رسانه استانی خوشنود نبوده‌اند. چرا که این نارضایتی بارها از زبان آن‌ها و از طریق خود صدا و سیما گزارش شده‌است. هر چند که در سال‌های اخیر، رادیو و تلویزیون استان تلاش نمودند تا با مشارکت دادن لهجه‌های غرب مازندران در برنامه‌های صدا و سیما، تا اندازه‌ای رضایت شهروندان غرب استان را جلب کنند، اما همچنان سهم لهجه‌های مرکزی و شرق استان در برنامه‌های صدا و سیمای مازندران بیش از لهجه‌های غربی است.

۳.۶. حوزه مذهب

مذهب یکی دیگر از حوزه‌های منحصر به فرد است که براساس موضوع تعریف می‌شود.

یکی از موارد کاربرد زبان در این حوزه، اجرای مراسم مذهبی مانند مراسم سوگواری و عزاداری است. در این زمینه نیز غلبه با زبان فارسی است و ۸۲/۵ درصد از تمامی پاسخ‌دهندگان نیز آن را تأیید کرده‌اند. در این نوع مراسم به طور معمول، نوع زبان تحت شرایط و موقعیت رسمی تعیین می‌گردد و نمی‌توان به طور دقیق به علایق و خواسته‌های قلبی افراد دست یافت. به این منظور به بررسی زبان مذهب در حوزه‌ای خصوصی‌تر می‌پردازیم و در واقع وارد خلوت افراد می‌شویم. به بیان دیگر، می‌خواهیم ببینیم افراد با چه زبانی با خدای خود راز و نیاز می‌کنند. داده‌های به‌دست آمده به تفکیک شهرهای مورد بررسی در جدول (۱۰) آمده‌است:

جدول ۱۰: درصد و فراوانی کاربران فارسی و مازندرانی در هنگام نیایش

در کل جمعیت نمونه به تفکیک شهر

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	شهر
۱۰۰	۲۴۰	۵۲/۰۸	۱۲۵	۴۷/۹۲	۱۱۵	بهشهر
۱۰۰	۲۴۰	۴۶/۲۵	۱۱۱	۵۳/۷۵	۱۲۹	ساری
۱۰۰	۲۴۰	۶۱/۶۷	۱۴۸	۳۸/۳۳	۹۲	آمل
۱۰۰	۲۴۰	۴۶/۶۷	۱۱۲	۵۳/۳۳	۱۲۸	نور
۱۰۰	۲۴۰	۴۶/۲۵	۱۱۱	۵۳/۷۵	۱۲۹	رامسر
۱۰۰	۱۲۰۰	۵۰/۵۸	۶۰۷	۴۹/۴۲	۵۹۳	کل جمعیت نمونه

تقریباً نیمی از آزمودنی‌ها برای نیایش، از زبان فارسی و حدود نیمی دیگر از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند. در این میان، آملی‌ها بیش از بقیه و ساروی‌ها و رامسری‌ها کمتر از همه برای نیایش از مازندرانی استفاده می‌کنند. پژوهش‌های زبان‌شناسان و مردم‌شناسان مانند گل (Gal, 1979) نشان داده‌اند که مذهب آخرین پایگاه یک زبان در حال فراموشی است و از این رو تصور می‌رود که کاربرد مازندرانی در این حوزه بیش از سایر حوزه‌ها بوده و همچنان پایدار باشد. بررسی کاربرد زبان توسط گروه سنی ۱۴-۱۸ ساله برای راز و نیاز و نیایش نشان می‌دهد که کاربرد زبان در این حوزه تا حدودی همراستا با کاربرد زبان در سایر حوزه‌ها است. به داده‌های جدول (۱۱) توجه کنید:

جدول ۱۱: درصد و فراوانی کاربران فارسی و مازندرانی برای نیایش در کل جمعیت نمونه بر حسب سن

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان مورد علاقه گروه سنی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۴۰۰	۱۷/۲۵	۶۹	۸۲/۷۵	۳۳۱	۱۴-۱۸ ساله
۱۰۰	۴۰۰	۶۰	۲۴۰	۴۰	۱۶۰	۳۰-۴۰ ساله
۱۰۰	۴۰۰	۷۴/۵	۲۹۸	۲۵/۵	۱۰۲	بالای ۵۰ ساله
۱۰۰	۱۲۰۰	۵۰/۵۸	۶۰۷	۴۹/۴۲	۵۹۳	کل جمعیت نمونه

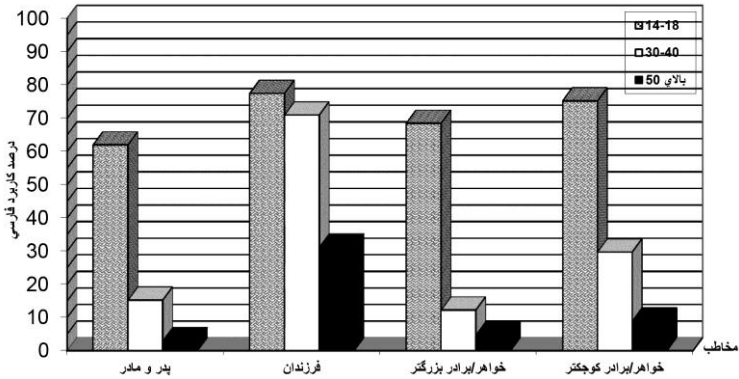
بر اساس داده‌های جدول بالا، کاربرد زبان فارسی توسط افراد ۱۴-۱۸ ساله بیش از ۳ برابر کاربرد آن در گروه بالای ۵۰ ساله و بیش از دو برابر کاربرد آن در افراد ۳۰-۴۰ ساله است.

۴. تاثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد دو زبان

همان گونه که در بخش‌های گذشته اشاره شد، عوامل گوناگونی مانند مکان، موقعیت، مخاطب و یا حتی موضوع صحبت می‌توانند در انتخاب و کاربرد یک زبان در جامعه‌ای دوزبانه نقش داشته باشند. همچنین، برخی مشخصه‌های فردی و عوامل اجتماعی مانند سن، تحصیلات، جنسیت و شهرنشینی نیز می‌توانند در انتخاب و کاربرد زبان مؤثر باشند. در بخش‌های زیر، هر یک از این عوامل و تأثیرات آن‌ها در انتخاب و به‌کارگیری فارسی و مازندرانی در حوزه‌های مختلف و نیز نگرش‌های زبانی گویشوران مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سن افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و کاربرد زبان در یک جامعه دوزبانه دارد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در یک جامعه دوزبانه، جوان‌ها بیش از بزرگسالان در حوزه‌های مختلف از زبان رسمی و معتبر استفاده می‌کنند و به این ترتیب نقش مؤثرتری در فرآیند تغییر زبان، بازی می‌کنند. از آنجایی که ورود زبان رسمی تر به حوزه خانواده با فراگیری این زبان از سوی فرزندان همراه است، بنابراین طبیعی است که گویشوران یک زبان معتبرتر در یک جامعه دوزبانه را بیشتر افراد جوان جامعه تشکیل دهند. فراگیری زبان فارسی توسط فرزندان در خانواده‌های مازندرانی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته رواج و گسترش بیشتری یافته است و بر این مبنای انتظار می‌رود که هر چه به سوی گروه‌های سنی پایین‌تر می‌رویم تعداد گویشوران فارسی زبان افزایش داشته باشد. بررسی کاربرد فارسی

در حوزه خانواده نشان داده‌است که تقریباً در تمامی موارد، گروه‌های سنی ۱۴-۱۸ ساله بیش از دو گروه دیگر از زبان فارسی استفاده می‌کنند. داده‌های نمودار (۶) گواهی بر این ادعاست.



شکل ۴: درصد کاربرد فارسی در حوزه خانواده در کل جمعیت نمونه به تفکیک سن و مخاطب

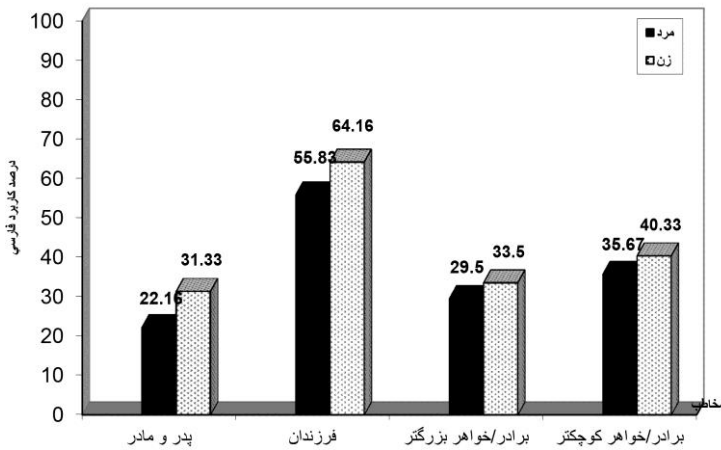
بررسی‌های انجام شده از سوی جامعه‌شناسان زبان نشان داده‌اند که میان رفتار زبانی زن‌ها و مردها تفاوت‌هایی وجود دارد و در نتیجه بخشی از گوناگونی‌های موجود در زبان به جنسیت گوینده‌های آن برمی‌گردد. این پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که به طور کلی، زن‌ها تمایل بیشتری به کاربرد گونه‌های معتبرتر و رسمی‌تر زبان دارند. برای نمونه، پژوهش ولف‌رام^۱ در شهر دیترویت^۲ آمریکا نشان داد که درصد ظهور ویژگی‌های معتبر در گفتار زن‌ها بیش از گفتار مردها است (Moddarresi, 1989, p. 164). در این پژوهش نیز فرض بر این بود که تفاوت چشمگیری میان دو جنس در کاربرد دو زبان مورد بررسی (فارسی و مازندرانی) وجود داشته باشد و زن‌ها گرایش بیشتری در به کارگیری زبان رسمی‌تر (فارسی) در موقعیت‌ها و حوزه‌های مختلف دارند. برای بررسی این مسئله، ابتدا میزان کاربرد فارسی در حوزه خانواده در دو گروه جنسیتی بررسی شد.

چنان‌که مشاهده می‌شود در تمامی موارد در حوزه خانواده، زن‌ها بیش از مردها از زبان فارسی استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد که در سایر حوزه‌ها و موقعیت‌ها نیز زن‌ها بیش از مردها تمایل به کاربرد زبان فارسی داشته باشند. اما از آنجایی که افراد بررسی شده از سه

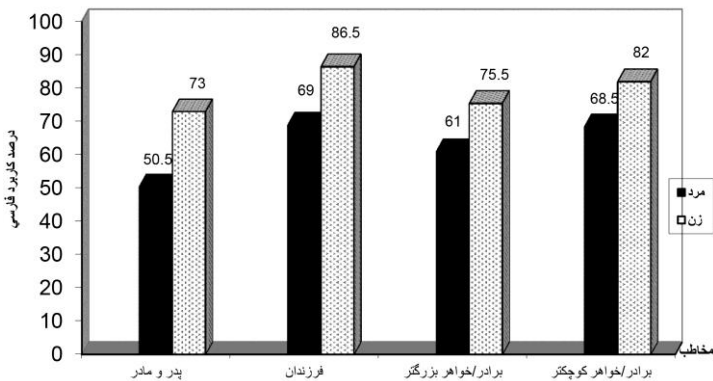
¹ S. Wolfram

² Detroit

گروه سنی مختلف بوده و تقریباً سه نسل گوناگون را تشکیل می‌دهند، به بررسی تأثیر جنسیت در یک گروه سنی مشخص می‌پردازیم. بررسی کاربرد زبان فارسی در حوزه خانواده در گروه ۱۴-۱۸ ساله، نشان‌دهنده آن است که دخترها بیش از پسرها در برابر مخاطب‌های مختلف از فارسی استفاده می‌کنند. نمودار (۸) این واقعیت را نمایش می‌دهد.



شکل ۵: کاربرد فارسی در حوزه خانواده به تفکیک جنسیت

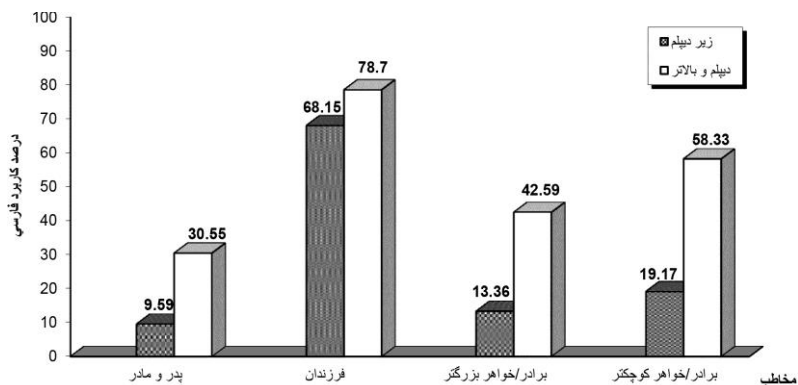


شکل ۶: کاربرد فارسی در حوزه خانواده توسط گروه سنی ۱۴-۱۸ ساله به تفکیک جنسیت

نمودار بالا نیز نشان می‌دهد که کاربرد فارسی در بین دو گروه جنسی، متفاوت است و در تمامی موارد در حوزه خانواده زن‌ها بیش از مردها از زبان فارسی بهره می‌گیرند. اما مقایسه این نمودار با نمودار (۷)، نشان می‌دهد که تفاوت بین زن‌ها و مردها در گروه سنی

۱۴-۱۸ ساله، بسیار بیشتر از تفاوت زن‌ها و مرد‌ها در مجموع سه گروه سنی است. به بیان دیگر، در گروه سنی پایین‌تر، نقش جنسیت در کاربرد زبان برجسته‌تر می‌شود. از آنجایی که در یک جامعه زبانی معین، گروه‌های تحصیلی بالاتر از گونه‌های سبکی رسمی‌تر زبان استفاده می‌کنند، طبیعی است که در یک جامعه دوزبانه نیز افراد تحصیل کرده از زبانی که دارای اعتبار و رسمیت بیشتری است استفاده کنند و احتمال دارد بیش از بقیه در آموزش آن زبان به فرزندان خود بکوشند.

در این بررسی تلاش شد تا نقش تحصیلات در کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجایی که در گروه بالای ۵۰ سال، تعداد افراد باسواد بسیار اندک بوده و در گروه ۱۴-۱۸ ساله نیز همگی دانش‌آموزان، از جنبه سطح تحصیلات برابر هستند، ناگزیر در گروه سنی ۳۰-۴۰ ساله به بررسی این امر می‌پردازیم. برای تعیین نقش تحصیلات در کاربرد زبان، چند حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا به بررسی کاربرد زبان توسط افراد این دو گروه در حوزه خانواده می‌پردازیم. میزان کاربرد فارسی توسط افراد این دو گروه در نمودار زیر به نمایش درآمده است:



شکل ۷: درصد کاربرد فارسی در حوزه خانواده توسط افراد گروه ۳۰-۴۰ ساله بر حسب تحصیلات

نمودار بالا نشان می‌دهد که در تمامی موارد، در حوزه خانواده افراد با مدرک دیپلم یا بالاتر، بیش از افراد زیر دیپلم از زبان فارسی استفاده می‌کنند. فقط در یک مورد، اختلاف دو گروه در کاربرد فارسی تا اندازه‌ای کمتر (حدود ۱۰ درصد) است که مشتمل بر کاربرد زبان برای ارتباط با فرزندان بوده است. این مسئله نشان می‌دهد که انتقال زبان فارسی به

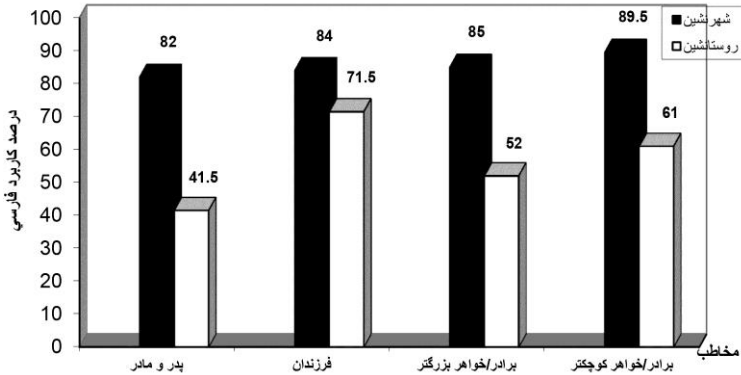
عنوان زبان اول به نسل آینده در همه گروه‌ها و طبقه‌های تحصیلی و اجتماعی با اختلاف‌های جزئی در جریان است. برخی زبان‌شناسان، شهرنشینی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در فرایند تغییر زبان در نظر گرفته‌اند. این به آن معنی است که افراد ساکن منطقه‌های شهری، بیش از افراد ساکن در منطقه‌های روستایی تمایل به استفاده از زبان معتبرتر در جامعه‌ای دوزبانه دارند. همچنین این احتمال وجود دارد که شهرنشینان بیش از روستائیان سعی دارند که زبان معتبرتر را به عنوان زبان اول به فرزندان خود انتقال دهند. همان‌طور که اشاره شد، آزمودنی‌های مورد بررسی در هر سه گروه سنی، به نسبت مساوی از منطقه‌های شهری و روستایی انتخاب شده‌اند. بررسی داده‌های مربوط به کاربرد زبان در هر منطقه (شهری و روستایی) به طور جداگانه، می‌تواند نمایانگر تأثیر شهرنشینی در میزان کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف باشد. بر این مبنای، ابتدا به بررسی اولین زبانی که افراد در کودکی فراگرفته‌اند در دو جامعه شهری و روستایی می‌پردازیم. ۴۵/۶۷ درصد از شهرنشینان فارسی را به عنوان اولین زبان فراگرفته‌اند، در حالی که در جامعه روستایی ۲۱/۶۷ درصد فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند. اطلاعات بیشتر در جدول (۱۲) آمده است:

جدول ۱۲: میزان فراگیری فارسی و مازندرانی به عنوان زبان اول به تفکیک شهر و روستا

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان محل سکونت
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۶۰۰	۵۴/۳۳	۳۲۶	۴۵/۶۷	۲۷۴	شهر
۱۰۰	۶۰۰	۷۸/۳۳	۴۷۰	۲۱/۶۷	۱۳۰	روستا
۱۰۰	۱۲۰۰	۶۶/۳۳	۷۹۶	۳۳/۶۷	۴۰۴	کل جمعیت نمونه

جدول بالا، نشان می‌دهد که شهرنشینان بیش از دو برابر روستائیان، فارسی را به عنوان زبان اول فراگرفته‌اند. برای کسب اطمینان از تأثیر شهرنشینی در کاربرد زبان، این بار کاربرد فارسی در حوزه خانواده توسط افراد شهرنشین و روستائین در گروه سنی ۱۴-۱۸ ساله بررسی می‌شود. نمودار ۱۰، میزان کاربرد فارسی در گروه ۱۴-۱۸ ساله را در تعامل با مخاطب‌های گوناگون در حوزه خانواده نشان می‌دهد. در این نمودار می‌توان مشاهده نمود که در تمامی موارد، شهرنشینان بیش از روستائیان از زبان فارسی استفاده می‌کنند و فقط در یک مورد اختلاف بین دو گروه به نسبت کمتر از سایر موارد است. این اختلاف نیز

جنبه ذهنی داشته و مشتمل بر زبانی است که این گروه قصد دارند در آینده با فرزندان خود صحبت نمایند.



شکل ۸: درصد کاربرد فارسی در حوزه خانواده توسط افراد ۱۴-۱۸ ساله به تفکیک شهر و روستا

۵. نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی انتخاب و کاربرد دو زبان فارسی و مازندرانی در حوزه‌ها و موقعیت‌های گوناگون پرداخته و نگرش و دیدگاه آزمودنی‌ها نسبت به دو زبان در استان مازندران مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی‌ها به روش تحلیل حوزه‌ای و در ۶ حوزه خانواده، مدرسه، اداره، کوچه و بازار، مذهب، و هنر و سرگرمی انجام گرفته است. به این منظور، ۱۲۰۰ آزمودنی به نسبت مساوی از ۵ شهر و ۱۲ روستای استان مازندران، سه گروه سنی و دو گروه جنسیتی برای بررسی انتخاب شده‌اند. پس از بررسی داده‌های مربوط به کاربرد دو زبان و نگرش‌های زبانی گویشوران، نگاهی کلی به دستاوردهای این پژوهش در مورد وضعیت کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف تحت تأثیر عوامل اجتماعی در کاربرد دو زبان و نگرش‌های گویشوران انداخته شد. به طور کلی، یافته‌های پژوهش نمایانگر کاهش تدریجی زبان مازندرانی در منطقه و جایگزینی آن با زبان فارسی است که به اختصار برخی از مهم‌ترین دلایل و شواهد موجود در این زمینه مشتمل بر موارد زیر هستند.

همان‌طور که داده‌های پژوهش نشان دادند (جدول ۱) گرایش جوانان به زبان فارسی در حوزه‌های گوناگون بیش از گروه سنی میان‌سال است و این موضوع به معنی کاسته شدن از تعداد گویشوران مازندرانی در آینده است. از سوی دیگر، دخترهای جوان

علاقه بیشتری به یادگیری و کاربرد زبان فارسی دارند (نمودار ۷). این امر می‌تواند به منزله افزایش فراگیری فارسی از سوی فرزندان در خانواده باشد. زیرا این دخترهای جوان به عنوان مادران آینده در زبان آموزی فرزندان نقش بسیار مهمی دارند. البته در پژوهش‌های انجام‌شده در مورد سبک‌های زبانی و نقش جنسیت در به‌کارگیری سبک نیز معلوم شد که زن‌ها معمولاً بیش از مردها تمایل به کاربرد گونه‌های زبانی رسمی و مؤدبانه دارند (Moddarresi, 1989, p. 164). در این موقعیت نیز مشاهده شد که تمایل زن‌ها به کاربرد و فراگیری فارسی بیش از مازندرانی است. زیرا فارسی در مقایسه با مازندرانی از رسمیت بیشتری برخوردار است. همچنین بر مبنای یافته‌های موجود، گرایش افراد تحصیل‌کرده و شهرنشین به زبان فارسی، به ترتیب بیش از افراد بی‌سواد و روستانشین بوده است (نمودار ۹ و جدول ۱۲) و با توجه به گسترش روزافزون باسوادی و شهرنشینی، این مسئله می‌تواند به منزله کاهش جمعیت گویشوران مازندرانی در آینده باشد.

حوزه دیگری که در کاربرد زبان و شکل‌دهی نگرش‌های زبانی، نقشی تعیین‌کننده‌ای دارد، حوزه آموزش رسمی و به ویژه مدرسه‌ها است. داده‌ها (نمودار ۲) گویای این واقعیت هستند که در مدرسه‌های استان مازندران زبان فارسی در محیط مدرسه به عنوان زبان آموزشی و تقریباً تنها زبان ارتباطی میان معلم و دانش‌آموز است. در این زمینه، هرگونه به‌کارگیری مازندرانی از سوی دانش‌آموزان با مخالفت مدیرها در مدرسه‌ها روبه‌رو می‌شود. استمرار این امر می‌تواند زبان مازندرانی را در نظر دانش‌آموزان بی‌اهمیت جلوه داده و نگرش منفی نسبت به این زبان ایجاد کند. در حوزه مذهب نیز مازندرانی کاربرد چندانی ندارد. این در حالی است که بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، به ویژه بررسی گل (Gal, 1979)، مذهب معمولاً از آخرین پایگاه‌های زبان در حال تغییر در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد گویشوران مازندرانی به دلیل رسمیت بیشتر فارسی نسبت به مازندرانی، آن را برای انجام امور مذهبی و گفتگو با خداوند مناسب‌تر می‌بینند.

در نهایت، تمامی عوامل یادشده می‌توانند به شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به زبان مازندرانی در بین گویشوران منجر شود. بر این مبنای، نبود نگرش‌های چندان مثبت، علاقه و دلبستگی عمیق نسبت به مازندرانی به معنای نبود یک تلاش گروهی برای حفظ این زبان در آینده خواهد بود.

فهرست منابع

- ابراهیمی، لطف‌الله (۱۳۸۳). تأثیر زبان غالب بر پدیده رمزگردانی در دوزبانه‌های کردی/فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایمانی، محمود (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹). بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی در شهرستان آمل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶). «زبان‌های محلی ایران و دورنمای آینده». زبان و زبان‌شناسی (انجمن زیبا-ن‌شناسی ایران). سال ۳. شماره ۱. صص ۱۱۵-۱۲۷.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). گویش بختیاری، بقا یا زوال؟. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۷۹). رمزگردانی از منظر کلامی و جنبه‌های کاربردشناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رنجبر، کتابیون (۱۳۸۴). بررسی وضعیت دوزبانگی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی ساکن استان کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- شاه‌مرادی، احمد (۱۳۹۳). بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و ترکی در گلوگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد ساری.
- شیخی، تهمینه (۱۳۸۵). بررسی پدیده رمزگردانی در میان دوزبانه‌های ترکمنی - فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- صفایی، اسماعیل (۱۳۸۳). بررسی نگرش دانش‌آموزان دوزبانه شهر مرند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- علایی، بهلول (۱۳۸۳). مبانی اجتماعی-فرهنگی کاربرد زبان فارسی به عنوان زبان آموزش در مناطق ترک زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). بررسی کاربرد فارسی و گیلکی... در شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). زبان‌شناسی و زبان فارسی. تهران: توس.

واسو جویباری، خدیجه (۱۳۸۵). بررسی تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی جویباری.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.

- Alai, B. (2004). *Social-cultural foundations of the use of Persian as a language of instruction in Turkish-speaking areas* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Bani-Shoraka, H. (2005). *Language choice and code-switching in the Azerbaijani community in Tehran*. Uppsala: Uppsala University.
- Bashirnezhad, H. (2007). Local languages of Iran and the future prospects. *Journal of Language and Linguistics (Linguistics Society of Iran)*, 3 (1), 115-127 [In Persian].
- Bashirnezhad, H. (1990). *A study on the use and status of Mazandarani and Persian in Amol* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Crawford, J. (1998). *Endangered native American languages: what is to be done, and why?*. [Online] <<http://ourworld.compuserve.com/homepages/JWCRAWFORD/brj.htm>>
- Dorian, N. C. (1999). Western language ideologies and small- language prospect. In A. Grenoble, L. Lindsay & J. Whaley (Eds.), *Endangered Languages* (pp. 3-21). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ebrahimi, L. (2004). *Impact of dominant language on code-switching phenomenon among Kurdish/Persian bilinguals* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Fasold, R. (1984). *The sociolinguistics of society*. Oxford: Blackwell.
- Gal, S. (1979). *Language shift: social determinants of linguistic change in bilingual Austria*. New York: Academic Press.
- Imani, M. (2004). *Study on the Status and Application of Turkish and Persian languages among speakers in Qom* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Mashayekh, T. (2002). *An investigation on the application of Persian and Guilaki in Rasht* (Master's thesis). Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran [In Persian].
- Moddarresi, Y. (1989). *An Introduction to sociology of language*. Tehran: Institute for Cultural Research and Studies [In Persian].
- Natel Khanlari, P. (1994). *Linguistics and the Persian language*. Tehran: Tous [In Persian].
- Ranjbar, K. (2005). *The study of bilingualism among high school students living in Kermanshah Province* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Rezapour, E. (2000). *Code-switching from discursive and pragmatic aspects* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Safai, I. (2004). *Investigation of attitude of bilingual students in Marand* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Shahbakhsh, A. (2000). *A case study of Baloch language; an L₁ changing to an L₂?*. [Online] <<http://www.baloch2000.com/culture/language/-3K>>
- Shahmoradi, A. (2014). *Study on the usage and status of Persian and Turkish in Galugah* (Master's thesis). Islamic Azad University (Sari Branch), Sari, Iran [In Persian].

- Sheikhi, T. (2006). *An investigation of ode-switching phenomenon among bilinguals of Turkmani- Persian* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Vasoo Joybari, K. (2007). *Intergenerational differences in the usage of Mazandarani words in Joybar* (Master's thesis). Alzahra University, Tehran, Iran [In Persian].
- Zolfaghari, S. (1997). *Bakhtiari dialect: survival or decline?* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].

A Sociolinguistic Analysis on the Status and Usage of Mazandarani and Persian in Mazandaran¹

Hassan Bashirnezhad²

Received: 14 /10 / 2016

Accepted: 04/ 03/ 2017

Abstract

Statement of the problem: Social, economic, political, and cultural changes in recent years, along with the development of technology and communication have made the native speakers of some languages or dialects to learn standard language which is generally considered to be formal and more prestigious; this trend, which is the case for Iranian local languages and dialects, can weaken the status and threaten the survival of such languages and dialects. Mazandarani, a vernacular in the north of Iran, has long been the mother tongue of inhabitants and dominant language in Mazandaran Province. Nowadays, its usage has declined in various contexts and its acquisition as a mother tongue has decreased among younger generations. This study tries to gather information about the social status of Mazandarani and its usage, along with Farsi, in different contexts in Mazandaran; other factors influencing the usage of Mazandarani or Farsi in different contexts are also studied

¹ (DOI): 10.22051/JLR.2017.12396.1218

² Assistant Professor of Linguistics . Farhangian University. Tehran.
Iran; h.bashirnezhad@cfu.ac.ir

including speakers' attitudes toward Mazandarani as well as social factors.

Theoretical framework, questions and hypotheses: The present study has adopted the domain analysis method introduced by Fishman (1966) in which the language usage is measured in terms of setting, subject and interlocutors. In this study, language use in 6 domains – family, school, office, street, religion, art & hobbies- is investigated. The main questions raised are: 1- In which domain does Mazandarani have the most usage? 2- Do the majority of subjects acquire Mazandarani as their first language in family domain? 3- Do the majority of young people acquire Mazandarani as their first language in family domain? 4- Is there any correspondence between the age of parents and encouraging their children to acquire Mazandarani? 5- Can the age of subjects be an effective factor in acquiring or using Mazandarani? 6- Is there any correspondence between the sex of subjects and using Mazandarani in different domains? 7- Is there any correspondence between urbanization and using Mazandarani in different domains? 8- Does the usage of Mazandarani vary in different cities of Mazandaran? 9- What kind of attitudes do the subjects have toward Mazandarani? 10- In general, does the evidence imply a case of language shift or maintenance? The following hypotheses are formulated: 1- The usage of Mazandarani in family domain is more than that of other domains. 2- Most people acquire Mazandarani as their first language. 3- The minority of young people acquire Mazandarani as their first language. 4- There is a direct correspondence between the age of parents and encouraging the children to acquire Mazandarani. 5- The usage and acquisition of Mazandarani in older generation is more than that of younger one. 6- The usage of Mazandarani by women is less than that of men in various domains. 7- The usage of Mazandarani by urban people is less than that of rural people in

various domains. 8- The cities studied in this research have similar conditions in terms of using and acquiring Mazandarani. 9- Most subjects don't have positive attitudes toward Mazandarani. 10. In general, the evidence implies a case of gradual shift of Mazandarani to Farsi.

Research method, statistical society, gathering and analyzing data: This research is a field study that describes and analyzes the data gathered through questionnaire, interview, and observation. The questionnaire includes 36 closed questions which investigate the usage of Farsi and Mazandarani in different domains; it also investigates the attitudes of speakers toward these two languages. 1200 subjects were randomly selected from urban and rural regions of 5 cities – Amol, Behshahr, Ramsar, Sari, and Noor – in Mazandaran Province. The subjects were equally divided into three age groups – 14-18, 30-40 and over 50 years old – they were also divided according to their sex. The researcher also observed 240 cases of communication context in Amol. The data are classified in tables and diagrams; it's described and analyzed through k square as well.

The findings of research: The analysis of data shows that the most usage of Mazandarani belongs to family domain and the increase of the formality of context leads to decrease in usage of Mazandarani. Mazandarani acquisition varies according to the type of family and its members. In general, 60 percent have acquired Mazandarani as their first language, but in younger age group (14-18 years old), just 25 percent have acquired Mazandarani as their first language. The kind of language people apply for communicating with other family members depends on their age. For instance, 48 percent of young group use Mazandarani for talking to their grandparents. In contrast, 38 percent of this group speaks with their parents in Mazandarani. In communicating with their

younger brothers or sisters, only 24.75 percent of them use Mazandarani.

As the formal educational language at school is Farsi, it's obligatory to speak in Farsi at school. 97 percent of students have claimed that they speak in Farsi with their teachers in classrooms and 97.5 percent of them use Farsi in speaking to the headmasters at schools. 81.25 percent of students apply Farsi in communicating with one another in classroom.

The streets and marketplaces form another domain which is wider than other domains and include various participants. The kind of language used in this domain is highly influenced by the situation, social status, age and sex of the interlocutors. Farsi is mostly used in formal situation, in the case that one of the interlocutors is of higher class or he/ she is a young or unknown person. For example, 29.49 percent of interviewees speak with their neighbors in Farsi, while 72.58 percent of them use Farsi in conversing with a young stranger.

The office domain is a formal domain and this formality necessitates the higher usage of Farsi. 63.91 percent of customers use Farsi in talking to clerks at their offices. Facing a doctor at his/her office, or a receptionist, 77.58 and 73.74 percent of them use Farsi, respectively.

Domains like religion and art are defined on the basis of subjects rather than situation or participants. The investigation of language use in artistic and aesthetic affairs such as, poetry, fiction, theater, movie, and music shows the general dominance of Farsi, but in some cases like poetry and music, the majority prefers Mazandarani to Farsi. In general, 52.41 percent of people prefer Farsi for radio and TV programs. As for religion, approximately half of the subjects use Farsi to worship and pray.

The information gathered through observation in Amol, to a large extent confirms the data gathered via questionnaires and interviews. As an example, the questionnaire data demonstrate that 56.25 percent of students use Farsi in conversation with one another at school and the observation shows that 51.66 percent of them use Farsi in this context.

Age, sex, education, and urbanization are influential in language use in different domains. Young people more than older ones, women more than men, urban people more than rural ones and educated people more than illiterate people use Farsi in different contexts.

Conclusions: On the whole, the findings of the research indicate the gradual loss of Mazandarani in the region. The argumentations that support such a claim are as follows:

- 1- The youngsters' tendency to acquire and use Farsi implies the reduction of native speakers of Mazandarani in the future.
- 2- The girls' tendency to acquire and use Farsi means the increase of Farsi acquisition by next generation, because these girls as future mothers have a crucial role in transferring language to the next generation.
- 3- The tendency of educated and urban group to acquire and use Farsi indicates the increase of Farsi-speaking population in the future, since both literacy and urbanization are spreading.
- 4- Employing Farsi as the language of instruction and the only medium of communication in educational domain could lead to the creation of negative attitudes toward Mazandarani.
- 5- Mazandarani is not mostly used in religious affairs, whereas religion is one of the last domains for an eroding language.

- 6- Lack of positive attitude, interests and devotion to Mazandarani signifies the lack of collective determination to maintain this language.

Keywords: language contact, Farsi, Mazandarani, language use, social status